فرهیختگان
farhikhteganonline
WWW.FDN.IR

پلوسی چین و تایوان را به جنگ نزدیک می‌کند؟

سفر به نقطه جوش شرق

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه بین‌الملل

نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا از روز جمعه درحالی تور خود برای دیدار از منطقه شرق آسیا را آغاز کرد که به‌دلیل احتمال سفرش به منطقه تحت‌مناقشه تایوان، آتش تنش‌های جدیدی را در این منطقه برافروخته است. او پیش از این قرار بود چهارماه قبل، در ماه آوریل از تایوان دیدن کند که به‌دلیل ابتلایش به کرونا این سفر لغو شد.

کارن ژان پیر، سخنگوی کاخ سفید در نشست خبری پنجشنبه گذشته خود درباره این سفر و واکنش جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا به آن گفت: «بایدن خودش ۳۶ سال سناتور بوده و به‌خوبی می‌داند در کنگره روندها چگونه کار می‌کند و ربطی به او ندارد که رئیس مجلس نمایندگان به کجا سفر می‌کند، پس مخالفت علنی نمی‌کند.»

این موضع درحالی از سوی سخنگوی کاخ سفید اتخاذ شد که بایدن پیش‌تر اعلام کرده بود مقامات ارتش معتقدند سفر پلوسی به تایوان در شرایط فعلی ایده خوبی نیست و آنها از این سفر حمایت نمی‌کنند. وی به پلوسی توصیه کرده بود به این سفر نرود.

پنجشنبه هفته گذشته نیز شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در جریان گفت‌وگوی تلفنی با رئیس‌جمهور آمریکا که پس از افزایش تنش‌ها صورت گرفت، به واشنگتن هشدار داد در قضیه تایوان با آتش بازی نکند.

نانسی پلوسی در گذشته نیز دست به اقدام یکجانبه درخصوص چین زده است. وی در سال ۱۹۹۱ درحالی که به‌عنوان عضو مجلس نمایندگان به پکن سفر کرده بود به‌طور خودسرانه در میدان «تیان آن من» این شهر حضور یافت تا در دومین سال از وقوع حادثه سرکوب مخالفان در این میدان، مراسم بزرگداشتی برای آنها برگزار کند.

این میدان در جریان شورش‌های سال ۱۹۸۹ به محل رویارویی دولت چین و مخالفان تبدیل شده بود و شاهد وقایع مهمی در جریان سرکوب شورش‌ها بود.

پلوسی پس از اقدام خودسرانه‌اش در میدان تیان آن من توسط دولت چین از این میدان خارج شد و به‌موازات آن اقدامش از سوی هر دو حزب آمریکا نیز مورد انتقاد قرار گرفت. بااین‌حال ۳۱ سال پس از آن اقدام، تلاش پلوسی برای سفر به تایوان مورد حمایت دموکرات‌ها و حتی جمهوری‌خواهان کنگره قرار دارد.

برخلاف اقدام پیشین او که چندان مناقشه‌آفرین نبود، سفرش که هم‌اکنون با ۸۲ سال سن، حتی دوسال از رئیس‌جمهور کهنسال آمریکا نیز مسن‌تر است، می‌تواند منجر به جنگی فراگیر شود.

۹ اثرات جنگ احتمالی چین و غرب بر سر تایوان

اگر چین بخواهد هرگونه حمله محدود یا وسیعی را علیه تایوان آغاز کند یا حتی تنش‌ها با این منطقه را در سطحی بالا تشدید کند، پیامدهای سنگینی از این اقدام دامنگیر جهان خواهد شد. در ذیل برخی از این پیامدها آمده‌اند.

۱ بحران دوسویه کالا-تراشه در جهان

جنگ روسیه و اوکراین یک بحران دوسویه «انرژی-غلات» را در جهان ایجاد کرده است. به این صورت که کشورهای غربی برای کاهش توان اقتصادی روسیه صادرات انرژی این کشور را تحریم کرده‌اند. اثر این تحریم افزایش قیمت انرژی بوده است. همچنین به دلیل نقش اوکراین در بازار غلات، جنگ باعث رشد قیمت غلات شده است.

جنگ بر سر تایوان نیز می‌تواند یک بحران دوسویه «کالاهای مصرفی-تراشه» ایجاد کند به این صورت که پس از جنگ کشورهای غربی صادرات کالاهای مصرفی چین را به‌عنوان نقطه‌قوت این کشور تحریم کرده و باعث افزایش قیمت این کالاها در بازار خواهند شد. از سوی دیگر به دلیل نقش تایوان در بازار تراشه، جنگ باعث رشد قیمت این قطعات می‌شود.

۲ شکل‌گیری جنگ در دیگر مناطق

حمله روسیه به ناتو در خاک اوکراین، تبعات نظامی محدود به این کشور نداشته است، بلکه احتمال جنگ در کشورهای بالتیک و همچنین بالکان را نیز افزایش داده است. از این‌رو درصورت تشدید تنش‌ها در تایوان به احتمال فراوان شبه‌جزیره کره نیز درگیر جنگ نظامی خواهد شد. بر همین اساس احتمال می‌رود پس از حمله چین به تایوان دیگر مناطق جهان ازجمله غرب آسیا نیز دستخوش تحولات نظامی شوند.

۳ کاهش تمایلات جدایی‌طلبی در جهان

یکی از اهداف جنگ اوکراین جلوگیری از جداشدن یکی از اقمار سنتی روس‌ها بود. حمله چین به تایوان نیز یک اقدام برای جلوگیری از استقلال یک استان چینی به‌شمار می‌رود. چنین اتفاقاتی از لحاظ کلی ضدتجزیه‌طلبی صورت گرفته‌اند و می‌تواند با جسارت‌بخشی به مراکز قدرت منطقه‌ای از تجزیه‌طلبی استان‌های استقلال‌طلب یا حتی اقمار جلوگیری کنند.

۴ تضعیف سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی

حمله روسیه به اوکراین درحالی با واکنش‌هایی در سازمان ملل به‌ویژه مقامات آن روبه‌رو شد که مسکو یکی از اعضای دائم و دارای حق وتو شورای امنیت این نهاد است. اگر پس از حمله چین به تایوان، این نهاد به همراه اعضایش قصد موضع‌گیری علیه پکن را نیز داشته باشد، به شکل مضاعفی دچار ضعف خواهد شد.

۹ اهداف احتمالی چین از تشدید تنش در تایوان

چین اهداف احتمالی چندگانه‌ای از اقداماتش درخصوص تشدید تنش‌ها پیرامون قضیه تایوان دارد. از همین‌رو تلاش شده تا حد امکان چنین اهدافی مورد بررسی قرار گیرند اما باید توجه داشت برخی از این عوامل دارای مشابهت‌هایی با یکدیگر هستند اما دلیل اشاره جداگانه به آنها تفاوت‌های جزئی ولی اثرگذاری است که مدنظر مقامات چینی قرار دارد. همچنین این نکته حائزاهمیت است که دلایل مطرح‌شده حتی می‌توانند در ارتباط با یکدیگر نیز عمل کنند و چند هدفی که در نگاهی ساده متناقض به نظر می‌رسند، همزمان به نتیجه برسند.

در خواندن اهداف زیر باید دانست، چنین اهدافی می‌توانند برای شرایط دیگر نیز به شکلی عمومی قابل‌تصور باشند اما تنش بر سر تایوان همیشه قادر نیست شامل اهداف فراگیری شود.

قضیه تایوان هنگامی می‌تواند اهداف سطح بالا و البته متعددی را به نتیجه مدنظر چین برساند که از شدت زیادی برخوردار شده باشد، در غیر این صورت در زمینه‌ای نامناسب، به‌عنوان مثال در شرایطی که وضعیت چین با روسیه و ژاپن ملتهب شده و آمریکا درگیری چندانی در جهان ندارد، تشدید تنش بر سر تایوان می‌تواند به زیان پکن منجر شود. درحقیقت برهه کنونی موقعیتی را ایجاد ساخته که درگیری بر سر تایوان می‌تواند اثرات چندبرابر شدیدتر از گذشته داشته باشد. پکن نیز با شناختن این موضوع در پی بهره‌برداری از آنهاست.

در اینجا نباید به تاثیرات نظام چندقطبی درحال استقرار نیز بی‌توجه بود. چین هرچه قدرتمندتر می‌شود حرکاتش به صدور پیامدهای متعددتر و قدرتمندتری می‌انجامند. از همین‌رو مقامات پکن تلاش دارند از این ویژگی برای به حداکثر رساندن منافع‌شان بهره گیرند.

۱ محرک در تثبیت روابط با آمریکا

چین می‌تواند با تشدید تنش‌های خود با آمریکا در یک حوزه حیاتی زمینه توافق سریع‌تر با این کشور را ایجاد کند. تشدید تنش بر سر تایوان درحالی که آمریکا درگیر بحران اوکراین است، می‌تواند مقامات واشنگتن را به این نتیجه برساند که بهتر است هرچه زودتر به تفاهمی با پکن برای کاهش تنش‌ها در حوزه‌های اساسی دست یابند.

۲ شکستن تمرکز غرب بر چین

چین همانند کشورهای دیگر باید بکوشد تا به دشمن نشان دهد هزینه دشمنی با این کشور برایش زیاد خواهد بود. پکن در شرایط کنونی می‌تواند با به حرکت درآوردن مهره‌های خود تنش‌ها را در سطحی بالا ببرد که غرب یا دست کم بخشی از آن متوجه شود دشمنی با پکن تا چه اندازه می‌تواند هزینه‌زا و دلهره‌آور باشد. چین در وضعیتی که غرب به‌ویژه اروپا درگیر و نگران جنگ در اوکراین است با ایجاد یک تهدید معتبر علیه تایوان که می‌تواند وضعیت جهان را بغرنج‌تر سازد، به آمریکا و متحدانش القا می‌سازد که تمرکز بر چین سودمند نیست.

تفاوت مورد (۲) با مورد (۱) به برخی جزئیات باز می‌گردد. مورد (۱) دفعتا حاصل می‌شود و آمریکا باید بالاجبار تفاهم با چین را درحال حاضر بپذیرد اما همزمان مترصد فرصتی برای ضربه باقی خواهد ماند مگر آنکه هدف چین در مورد (۲) نیز محقق شده و تنش‌های کنونی بر سر چین از لحاظ ذهنی غرب را به دوری از درگیری با پکن رهنمون سازد.

۳ ضعیف نشان‌دادن آمریکا

آمریکا در پس‌زمینه ناکامی‌هایش در جنگ اوکراین اگر با یک بحران در شرق آسیا نیز روبه‌رو شده و در آن نیز قادر به اقدامی موثر نباشد، تصویری ضعیف از خود به دنیا نشان خواهد داد.

۴ یادآوری ضعف آمریکا به کاخ سفید

چین اگر قادر باشد ساکنان کاخ سفید و دیگر نهادهای آمریکا را که کماکان در پی رویای جهان تک‌قطبی هستند، به درکی درست از ضعف واشنگتن برساند، آنگاه خواهد توانست با سرعت بیشتری از مزیت‌های جهان چندقطبی که خود یکی از اضلاع آن است، بهره‌مند شود. همچنین در صورت درک درست مقامات آمریکا از ضعیف شدن کشورشان، آنها به جای اجرای سیاست مهار چین، برای آنکه در آینده با انتقام‌جویی پکن مواجه نشوند، رو به همکاری با این کشور می‌آورند.

این مورد هرچند با مورد (۲) دارای مشابهت‌هایی است اما مورد مزبور می‌تواند صرفا مانع تقابل‌جویی غرب با چین شود اما اگر پکن به حصول نتیجه کافی از مورد (۴) نائل شود می‌تواند همکاری غرب را نیز جلب کند.

۵ ایجاد التهاب در اقتصاد جهانی با هدف ایجاد تغییرات سیاسی در دولت‌های غربی

دولت تمرکزگرا و اقتدارگرای چین از التهابات اقتصادی جهانی از لحاظ تغییرات مصون است. در کشورهای اقتدارگرا به‌دلیل ارتباط نه‌چندان مستقیم مردم با دولت، خواست‌های مردم از طریق شورش‌های خیابانی به دولت منتقل می‌شود اما کلیت دولت اغلب از تغییرات مصون می‌ماند. در غرب اما به‌دلیل دموکراسی و تاثیرپذیری دولت از افکار عمومی و صندوق‌های رای، بحران می‌تواند منجر به تغییرات در راس دولت شود؛ همان‌گونه که اخیرا یکی از عوامل سقوط بوریس جانسون رشد قیمت‌ها به دلیل جنگ اوکراین عنوان شد.

پکن برای آنکه بتواند فارغ از تصمیم‌گیری رهبران سیاسی کشورهای دیگر براساس منافع ملی کشورشان، به‌طور اختصاصی از احزاب این کشورها نیز امتیازگیری کند به‌دنبال ایجاد التهاب در اقتصاد جهانی است تا بتواند دولت‌های غربی را با تهدید سقوط مواجه کند. در چنین زمانی احزاب حاکم برای استمرار حضورشان در قدرت احتمال دارد حاضر به ارائه امتیازات بیشتری باشند.

۶ ایجاد شکاف مضاعف در جبهه غرب (آمریکا و اروپا)

هم‌اکنون میان کشورهای غربی در رابطه با جنگ اوکراین و تحریم روسیه شکاف‌هایی بروز کرده است. برخی کشورهای بلوک غرب دیگر امید چندانی به مقاومت اوکراین نداشته و تحریم‌های انرژی روسیه را نیز نه برای مسکو بلکه برای کشورهای اروپایی زیان‌بار می‌دانند. در این شرایط ایجاد وضعیت نزدیک به جنگ در تایوان می‌تواند بر هراس کشورهای غربی افزوده و تصمیماتی با دایره تفاوت زیاد را میان آنها موجب شود؛ اقدامی که در راستای ایجاد شکاف در میان کشورهای غربی است.

۷ پایدارسازی معضل روسیه برای غرب

اگر چین بتواند با تشدید تنش‌ها در شرق آسیا بخشی از توان غرب را مشغول خود کند، احتمال پیروزی روسیه در اوکراین بیشتر شده و درصورت شکست غرب در این جنگ، مسکو به‌صورت یک معضل تثبیت‌شده و پایدار برای این جبهه درمی‌آید.

۸ ایجاد شکاف میان متحدان آمریکا در آسیا

اگر چین قادر باشد تنش‌ها بر سر تایوان را به‌خوبی مدیریت کند، قادر خواهد بود در سطوحی مختلف میان آمریکا و متحدانش در شرق آسیا که درحقیقت سرپل‌های واشنگتن در این منطقه هستند شکاف بیندازد. برخی کشورها ممکن است با افزایش احتمال جنگ برای آنکه تبعات آن دامنگیرشان نشود از آمریکا دوری کنند. همچنین به این علت که اقدامات آمریکا در حوزه تایوان در هر صورت دارای نتایج قطعی نخواهد بود، نسبت به توانایی واشنگتن در دفاع از کشورهای شرق آسیا دچار شک و تردیدی جدی شوند.

درحقیقت نقطه اصلی تمرکز چین در این حوزه، ویژگی تنش‌های جدید بر سر تایوان است که از ایجاد نتیجه قطعی جلوگیری می‌کنند و با ایجاد ابهامی که وزنه‌اش متمایل به چین است، باعث ناتوان نشان‌دادن آمریکا در چشم متحدان آسیایی‌اش می‌شود.

۹ پوشش افزایش بودجه و توان نظامی

اگر چین به شکل ابتکاری دست به افزایش بودجه نظامی بزند، این اقدام باعث واکنش‌های شدید و انفعال سیاسی پکن خواهد شد. در چنین شرایطی کشورهای دیگر نیز که جزء شرکای اقتصادی پکن هستند نسبت به چین اعتراض کرده و وارد راه‌حل‌های آمریکا درباره این موضوع خواهند شد. اما اگر چین با انجام تحرکاتی واکنش آمریکا را برانگیزد، می‌تواند افزایش حضور نظامی واشنگتن در تایوان را به بهانه‌ای برای افزایش بودجه و قابلیت‌های دفاعی خود بدل سازد. در شرایط تنش‌های تشدیدیافته نیز کشورهای شرق آسیا و شرکای تجاری چین برای آنکه از شدت تنش‌ها بکاهد از دست زدن به همراهی با راه‌حل‌های آمریکا خودداری خواهند کرد. در این وضعیت چین می‌تواند بدون مواجهه با تاثیرات شدید عملی، به افزایش توانایی‌های نظامی خود بپردازد.

۱۰ فعال‌سازی مخالفان جنگ در آمریکا

تشدید جنگ‌افروزی در جهان، دست کم باعث فعال شدن ایده‌های ضدجنگ می‌شود. به‌عنوان مثال فردی مانند جان کری از فعالان ضدجنگ ویتنام بود. جان کری در ابتدای جنگ ویتنام عازم آن کشور شد و چندین مدال شجاعت گرفت اما پس از آن با پیوستن به جنبش ضدجنگ و سخنرانی در کنگره موجب شد تا واشنگتن به حضور نیروهای آمریکایی در ویتنام پایان دهد.

آمریکا هم‌اکنون با قاعده بزرگی از سیاستمداران، فرماندهان نظامی، کهنه‌سربازان، احزاب و گروه‌های مردمی‌ای روبه‌رو است که تحت تاثیر تبعات فاجعه‌بار جنگ در افغانستان و عراق به‌شدت با هرگونه جنگی مخالفت خواهند کرد. از این رو تشدید تنش‌ها بر سر تایوان، می‌تواند با فعال‌سازی گروه‌های ضدجنگ، آنان را به لابی غیرمستقیم چین در واشنگتن مبدل کند. آنها احتمالا پس از افزایش احتمال جنگ با چین بر سر تایوان به دولت فشار خواهند آورد تا از اقدامات اساسی تحریک‌کننده علیه پکن بپرهیزد، هرچند که لازم نیست تماما علیه این کشور عقب‌نشینی کند. چنین درخواست‌هایی نمی‌توانند تمام مشکلات چین را حل کنند اما قادرند از اقدامات تحریک‌کننده واشنگتن علیه پکن بکاهند.

۱۱ ترسیم چهره‌ای غیرتهاجمی از چین در بلندمدت

به‌زعم برخی اگر قرار باشد چین به تایوان حمله کند، امروزه و در شرایطی که جنگ در اوکراین غرب را به خود مشغول ساخته، بهترین موقعیت است. اگر پکن در چنین شرایطی به تایوان حمله نکند تقریبا می‌توان مطمئن بود پکن از قوه قهریه برای اقداماتش در آینده نیز استفاده نخواهد کرد. وقتی چین در وضعیت گرفتاری غرب به منطقه‌ای بااهمیت برای خود یعنی تایوان حمله نکند، دیگر کشورها به‌ویژه همسایگان در بلندمدت خیال‌شان تا حدی درباره حرکات تهاجمی چین راحت خواهد شد. احتمال دارد پکن برای ترسیم چنین شکلی از خود در اذهان غرب و همچنین کشورهای منطقه دست به افزایش تنش‌ها زده تا با عدم راه‌اندازی جنگ، تصویر موردنظر خود را در ذهن مقامات کشورهای دیگر حک کند. در اینجا باید توجه داشت این هدف تنها بخشی از اثرات تشدید تنش‌ها بر سر تایوان در لایه‌های ذهنی مخصوص به خود است.

۱۲ ایجاد پوشش برای حفظ روابط با روسیه از تحریم

اگر شرایط آرام باقی می‌ماند، چین به احتمال زیاد مدتی بعد به دلیل گسترش روابطش با روسیه به‌ویژه در حوزه اقتصادی مورد تحریم قرار می‌گرفت. حتی احتمال داشت پکن به دلیل عدم موضع‌گیری قوی علیه مسکو به دلیل آغاز جنگ، با بهانه‌گیری‌های تحریمی غرب روبه‌رو شود. ایجاد تنش بر سر تایوان، هرچند در ظاهر و در لایه نخست می‌تواند خود به دلیلی برای تحریم چین تبدیل شود، اما اگر این تنش‌ها در سطحی متناسب اعمال شوند، کشورهای غربی در برابر پکن دست به عقب‌نشینی خواهند زد تا این کشور را تحریک به آغاز جنگی دیگر نکنند. آنچه در این میان از دایره دید خارج و مصون می‌ماند، روابط رو به گسترش چین با روسیه است که می‌تواند منجر به ایجاد بهانه در غرب برای اعمال تحریم شود. چین به دلایل زیادی به چنین رابطه‌ای نیاز دارد.

۱۳ جلوگیری از متمایل شدن اجباری روسیه به سمت غرب

اگر روسیه به دلیل بحران‌های ناشی از جنگ اوکراین، از لحاظ اقتصادی یا نظامی کم بیاورد، آنگاه احتمال متمایل شدن مسکو به غرب افزایش خواهد یافت. غرب مابه‌ازای متوقف ساختن جنگ اوکراین، کاهش تحریم‌های روسیه و حتی پذیرش الحاق بخشی از این کشور به خاک خود، از روسیه خواهد خواست تا از گسترش روابطش با چین خودداری کند. به عبارت دیگر اگر در میانه جنگ سرد آمریکا به جای مقابله توامان با شوروی و چین، با پکن علیه مسکو دست دوستی داد، امروز قصد دارد با روسیه علیه چین وارد معامله شود.

چین با تشدید تنش‌ها خواهد توانست همان‌گونه که در بخش (۷) و (۱۲) آورده شد از توان تمرکز غرب بر روسیه کاسته و روابط خود با مسکو را نیز از فشار تحریم‌ها مصون سازد؛ دو اقدامی که به افزایش آستانه تحمل روسیه کمک می‌کنند. در این شرایط روس‌ها مجبور نخواهند شد به دلیل کم آوردن‌شان دست یاری و کمک به سوی غرب دراز کنند.

۱۴ مشغول‌سازی مصنوعی آمریکا برای ملتهب‌تر ساختن دیگر جبهه‌های ضدواشنگتن

آمریکا در جبهه‌های مختلفی درگیر است. این کشور در غرب آسیا با محور مقاومت به رهبری ایران مواجه بوده و در آمریکای لاتین نیز با روی کارآمدن پی در پی چپ‌گرایان روبه‌رو شده است. وقفه در تمرکز واشنگتن بر این مناطق حتی به‌طور کوتاه‌مدت می‌تواند به بغرنج شدن وضعیت آمریکا در آنها منجر شود.

باید توجه داشت تنش‌های فعلی بر سر تایوان به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که دست کم برای چند ماه دیگر ادامه‌دار باشند. چنین وضعیتی می‌تواند حتی اگر تنش‌های عملی و مانورها کاهش یافتند، اثرات بلندمدت‌تری بر افزایش تمرکز آمریکا بر منطقه داشته باشند.

حتی اگر آمریکا برای کاهش فوری تنش‌ها در تایوان قبول کند از شدت جنگ تجاری علیه چین بکاهد و تعرفه‌های وضع‌شده بر کالاهای این کشور در دوران ترامپ را لغو کند، با این وجود نیز به دلیل نگرانی از پکن دست به گسترش استقرار تجهیزات نظامی خود در منطقه خواهد زد. این مساله در درون خود کاهش توجه آمریکا بر دیگر مناطق را در پی دارد؛ وضعیتی که می‌تواند به عمیق شدن بحران علیه منافع واشنگتن در این مناطق کمک کند. به عبارت دیگر پس از مدتی درحالی که آمریکا به چین مشغول شد به ناگهان با جبهه‌های فعال و گسترش‌یافته در نقاط حساس روبه‌رو خواهد شد.

۱۵ بهره‌گیری از جنگ اوکراین برای نمایش برتری نظامی چین بر آمریکا

اگر جنگ اوکراین جریان نداشت، تقابل بی‌نتیجه چین با آمریکا یک تنش معمولی همانند چالش‌های پیشین به حساب می‌آمد. با این حال وقوع جنگ در اوکراین که بر اثر جرات یافتن مسکو بر غرب شکل گرفته، باعث شده این دیدگاه که غرب از لحاظ نظامی بازدارندگی‌اش در برابر مسکو را از دست داده ایجاد شود.

در این زمینه ادراکی که جنگ اوکراین باعث آن شده، مانور نظامی هر کشوری می‌تواند نشان‌دهنده برتری نسبی‌اش بر آمریکا تلقی شود. به‌عنوان مثال ایران بارها در مقابل آمریکا با انجام اقدامات نظامی مانند ساقط کردن پهپاد گلوبال هاوک خودنمایی کرده بود اما هنگامی که در چند هفته قبل، بایدن رئیس‌جمهور آمریکا از منطقه دیدار کرد، رونمایی از ناوهای «دسته پهپادبر» ایران به شکلی دیگر تفسیر شده و موجب ترسیم توان نظامی بالای تهران در برابر واشنگتن حتی نسبت به واقعه ساقط کردن پهپاد شد.